

دکتر جعفر بوشهری

وکیل پایه ۱ دادگستری

کشف علمی جرائم

مقدمه

نهضت علوم طبیعی در اواسط قرن نوزدهم همانگونه که از بسیاری مجهولات بشر پرده برداشت در امور پلیسی و بالاخص طریق کشف جرائم نیز مؤثر افتاد. دانشمندان بیشماری با استفاده و استعانت از ثنوریهای علوم طبیعی پایه علم پلیس جدید را پی ریزی نمودند و آنرا در کشف جرائم بکار بردند

کشف علمی جرم در حال حاضر دارای سه جنبه است:

- ۱ - تعیین هویت اجساد و هم چنین اشخاص زنده.
- ۲ - بررسی و بازرسی صحنه جرم بوسیله کارآگاهان آموزش دیده و متخصصین
- ۳ - متدهائیکه در آزمایشگاههای پلیس برای تجزیه و تحلیل اسباب و آثار جرم بکار میرود.

در هر یک از جنبه های فوق نکاتی نهفته است از قبیل مطالعه متدهائیکه مجرمین برای ارتکاب جرم بکار میبرند و تحقیق محلی و بازدید از صحنه جرم و توجه به حقایق و احتراز از هرگونه فرضیه و نظریه که متکی به واقعیات خارج نباشد. علیهذا در مورد شکستن حرز مثلاً ابتدا باید محل ورود مجرم دقیقاً مشخص شود و وسائلی که برای شکستن حرز ورود به صحنه جرم بکار رفته از قبیل دیلم یا قلم فلزی یا کلید معین گردد و همچنین معلوم شود که آیا مجرم شریک یا همدست داشته است یا نه. تعیین زمان جرم نیز واجد کمال اهمیت است باید تا حد امکان دقیقاً معین نمود عملیات مجرم چه وقت آغاز و کی به اتمهی رسیده است آیا جرم در وقت معین از قبیل زمان مقارن با افتتاح با بسته شدن کارگاه یا روز تعطیل یا جمعه یا هنگامیکه بعضی اشخاص کار خود را موقتاً ترک میکنند اتفاق افتاده است. مأمور تحقیق سپس بررسی میکند که پیش از ارتکاب جرم چه کسی در حوالی محل دیده شده و یا سؤال و یا نشانه ای خواسته است. آیا از مجنی علیه یا همسایگان وی کسی آدرس دوستی را خواسته یا تقاضای شغل نموده یا برای خرید یا اجاره خانه پرسشی کرده است. در اینصورت رابطه میان اقامات مذکور با جرم بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد.

پاره ای مجرمین با دسته و جمعیت مرتکب جرم میشوند. مسئول تحقیق باید بتواند جرمی را که توسط بیش از یک نفر ارتکاب شده است تشخیص دهد. اطلاعات مذکور را با آزمایش دقیق وسائل ورود به محل جنایت و ابزاریکه برای حمله به مجنی علیه یا اسوال موضوع جرم بکار رفته است میتوان بدست آورد. جستجوی قرائن و امارات به محل ارتکاب

محدود نمیگردد. مأمور تحقیق اثرات چرخ اتومبیلها را در حوالی محل بررسی میکند و اتومبیلهایی که عادتاً در آن حدود رفت و آمد ندارند و اثر آنها را ملاحظه نموده است بلحاظ ارتباط با جرم مورد توجه قرار میدهد. جرائم بسیاری با جستجوی اثر اتومبیل و یافتن راهیکه مجرمین پیموده‌اند کشف شده است.

نظر باینکه مجرمین «حین ارتکاب جرم غالباً اعمال غیرعادی انجام میدهند که مستقیماً ارتباط چندانی با جرم ندارد مانند آنکه مشروب همراه خود آورده در محل مینوشند سیگار میکشند غذا میخورند سگ خانه را زهر میدهند برای فرار مقدمات خاصی تهیه میکنند. مأمور تحقیق باید هوشیار باشد و آنها را از مد نظر دور ندارد.

پس از اینکه متد و وسائل و طریق ورود مجرم به محل ارتکاب جرم کشف گردید اقدامات بعدی وی در صحنه جرم مورد ملاحظه قرار میگیرد تحقیقات دقیقی برای یافتن اثر انگشت جای پا و سایر دلائلی که از متهم بجا مانده است آغاز میشود جسد یا موضوع جرم و همچنین دلائلی که جرم را اثبات میکنند جمع آوری و گزارش میشود.

مرحله ثانوی کشف جرم بکاربردن معلومات و اطلاعاتی است که بشرح فوق بدست آمده و باستناد آنها باید مجرم معلوم و دستگیر و اموال موضوع جرم کشف گردد و همچنین قرائن و امارات و آثار و دلائل جرم و اوضاع و احوالیکه حکایت از اثبات تقصیر متهم میکنند بمنظور تعقیب و محاکمه وی جمع آوری شود.

در مواردیکه مجرم گریزان و فراری صحنه جرم را ترک میکند و در مدت کوتاهی پس از آن مأمورین در محل حاضر میشوند با تهیه شرح دقیقی از مختصات مجرم و وضع ظاهری وی که ممکنست آورده به موادی مربوط به صحنه جنایت باشد میتوان اعلام خطر کرد و مراتب را فوراً به پاسگاه ها مخابره نمود و احتمال فرار ویرا تا حد قابل ملاحظه تقلیل داد.

مشخصات مجرم را از کسانی غیر از مجنی علیه که ممکنست ویرا دیده‌اند یا می‌شناسند نیز باید سؤال کرد اطلاعات مذکور گاهی بوسیله شهودیکه خود را به بمأمورین معرفی می‌کنند کسب میگردد و زمانی از گواهان یا مطلعینی که بمقتضای افسر تحقیق از حادثه باخبرند تحصیل میشود. در هر دو مورد سئوالات باید محدود به امور موضوعاتی باشد که شاهد شنیده یا دیده یا چشیده یا بو کرده و یا احساس نموده است.

هرگاه سؤال شونده مطلع است پرسشها منحصر بمواردی خواهد بود که نسبت به آنها اظهار اطلاع نموده یا احتمال میرود که از آنها با خبر باشد. در تحقیقات باید توجه مخصوص به محرک و همچنین مشوق مجرم به ارتکاب جرم معطوف گردد و توالی اقدامات مجرم و ترتیب آنها با اظهارات شهود و مطلعین و امارات و قرائنی که از صحنه جنایت بدست آمده است تطبیق شود. شهود و مطلعین ممکنست ذاتاً و سواس یا سوءظن داشته باشند - مطالبی را از یاد ببرند دروغ بگویند - تعصب داشته باشند - مأمور

تحقیق تأثیر عوامل مذکور را در بازپرسی مورد کمال توجه قرار میدهد و پس از حذف شاخ و برگها اظهارات شنیده شده را رد یا قبول میکند

فصل اول

روانشناسی در کشف جرائم

ماسورینی که وظیفه آنها بازپرسی از شاهد و مطلع و متهم میباشد. هرگاه اصول روانشناسی را بدانند در کار خود به موفقیت‌های درخشان نائل میشوند ماسور تحقیق نه تنها باید بداند با چه کسی روبرو است تا از این راه نحوه سؤال و نقشه بازپرسی را طرح کند بلکه با ملاحظه قرائن و امارات و استماع اظهارات شهود به شخصیت مجرم و محرک وی در ارتکاب جرم پی برد. در این فصل پاره‌ای مسائل و مشکلات روانشناسی مربوط به کشف جرم و همچنین بعضی روشهای تحقیق در برخورد با بیماران عصبی که عملیات آنها در غالب موارد گنج‌کننده و بدون هدف مشخص است مورد بحث قرار میگیرد.

بند اول - اصول کلی بازپرسی

بازپرسی در اسرع وقت پس از ارتکاب جرم بایستی شروع شود و همانگونه که بموجب ماده ۱۴۳ قانون اصول محاکمات جزائی نیز مقرر است شهود و مطلعین فرداً فرد بدون حضور متهم احضار و از آنها استنطاق بعمل آید هرگاه میسر باشد شهود عمده و آنها که اظهاراتشان معتبرتر است قبل از دیگران و حتی متهم بازجوئی شوند. زیرا در اینصورت مستنطق انحراف متهم را از جاده حقیقت بخوبی درک و کنترل میکند.

روشهای استنطاق در همه موارد بکسان نبوده متناسب با شخصیت کسیکه مورد بازجوئی است تغییر میکند احوال روحی - سن - نژاد - جنس - آراء و عقاید مذهبی و سیاسی مقام اجتماعی و میزان تحصیلات عواملی میباشند که در نحوه بازپرسی مؤثرند. با این ترتیب ملاحظه میشود که استنطاق کننده بایستی احاطه کامل به وضع روانی اشخاصیکه احضار کرده است داشته باشد و حرکات و رفتار و عکس العمل آنان را لحظه بلحظه مورد توجه قرار دهد. اجبار شاهد به دادن اطلاعات و تهدید یا ارعاب یا آزار متهم یا فریب دادن وی درباره وضع تحقیق علاوه بر اینکه مقام دستگاه کشف جرم را بی اعتبار میسازد غیر ضروری و غیر عقلانی نیز هست سئوالها باید روشن و معقول و خالی از تعصب طرح شوند. کلیه اوضاع و احوالیکه به نفع متهم بوده در برائت وی ممکنست مؤثر افتند بایستی بدقت مورد تحقیق قرارداد و دائماً بخاطر داشت که متهم بی گناه است اگرچه دلایل لحظه بلحظه علیه او قوی تر شود و مستنطق را دم به دم به مقصر بودن وی مطمئن سازد قدرت و استعداد بازپرس در اینستکه بی طرف بماند و خالی از هرگونه تعصبی وظیفه خود را انجام دهد پرسشها نباید سؤال شونده را بسوی مقصدی بکشاند که مستنطق در نظر دارد و همچنین در سؤال نباید موضوعی را که وجودش مورد تردید است مسلم فرض نمود مثلاً هرگاه سؤال کنید «شخصی را که دیدید کلاهش سیاه بود یا تهوهای» ذهن شونده فوراً بسوی کلاه معطوف میگردد

ولذا باید پرسید « شخصی را که دیدید روی سرش چه بود ؟ » مستنطق نباید جمله‌ای را که متهم یا شاید نتوانسته تمام کند خود تکمیل کند یا در حین بازپرسی استنباط شخصی خود را برگفته‌های آنان بیفزاید در مواردیکه استنطاق با دخالت مترجم انجام میگیرد واصطلاحات وتعبیرات مبهمی بکار میرود باید از مترجم خواست تا آنها را بخوبی وبهمان نحو که مراد گوینده است ترجمه نماید.

شاکی

ارزش شکایت یا اعلام جرم در ابتدای کار بایستی مورد رسیدگی قرار گیرد وصحت وواقعیت آن احراز گردد شاکی ممکن است از جرم موهوم و خیالی شکایت کند گاهی شکایت ناشی از اشتباه شاکی است مانند آنکه مال در تصرف خود اوست وگمان میبرد سرقت شده است.

شکایت ممکن است دروغ بوده مولود اغراض شخصی باشد در مواردیکه شاکی قصد آزارمخالفین خود را داشته یا برای حفاظت خود در برابر خطرات آینده از جرم واقع نشده‌ای شکایت کند یا بمنظور تحصیل مال یا منفعتی دیگری را بسرقت یا تجاوز وحمله یا شکستن حرز متهم نماید وظیفه مأمور تحقیق است که اظهارات شاکی را با ملاحظه صحنه جرم وسؤال از کسانیکه ممکن است اطلاعاتی داشته باشند کنترل کند.

مظنون

پیش از آنکه مظنون احضار واز او بازپرسی شود کلیه تحقیقات مقدماتی باید انجام شده باشد بعبارت دیگر محل وصحنه جرم ملاحظه گردیده دلایل جرم جمع آوری شده اقامتگاه واداره یا محل کار مظنون بازرسی وتا حد امکان اطلاعات لازم گرد آمده باشد مستنطق باید حقایق جمع آوری شده را دسته بندی کند وارتمباط آنها را با یکدیگر بخوبی دریابد . مهارت در وظیفه اخیر هنریست که بامرور زمان و تجربه حاصل میگردد . تحقیقات باید بنحوی صورت گیرد که اعتراف را بر مظنون مشگل نگرداند . از بکار بردن کلمات قتل هتک ناموس و سرقت وغیره باید احتراز شود و بجای آنها الفاظ ملایمتری بکار رود بالاخص در موردیکه مظنون جوان یا زن باشد . کسانیکه دارای سابقه محکومیت جزائی میباشند حساسیت کمتری دارند . محلیکه بازجوئی صورت میگیرد نیز در روحیه مظنون مؤثر است . حضور والدین یا خویشان یا دوستان مانع آنست که شخص آزادانه سخن بگوید . وحقایق را افشا کند همان حالت در خانه ومحل کار در حضور همکاران نیز بر آدمی دست میدهد .

هرگاه شخص مظنون به تمام یا بعضی گناه خود اعتراف کند یا اطلاعاتی در اختیار بازپرس بگذارد هدف بازجوئی مشخص میشود وباید بلافاصله عدل وموجباتی که منجر به ارتکاب جرم شده است مورد توجه قرار داد . در صورتیکه بالعکس مظنون خود را بی گناه معرفی نماید موقعیت بازپرس منوط به جمع آوری سایر دلایل وادامه سؤال وجواب خواهد بود . مظنون نباید بهیچ عنوان درباره تحقیقاتی که بعمل آمده یا

دلایلی که جمع آوری شده است اطلاع پیدا کند. در بسیاری موارد حتی نباید بداند برای چه از وی بازجوئی میشود. خطای بزرگ در این مرحله اینست که او را متهم نمایند. از مظنون باید بعنوان شاهد سؤال کرد. و گذارد که سوءظن بالاخص در شروع بازجوئی بر تحقیقات سایه نیفتد. بازجوئی نباید به سؤال مأمور پاسخ مظنون محدود گردد بلکه بمشارالیه باید فرصت داد تا نظریات خود را اظهار دارد. هرگاه مأمور احساس کند که مظنون دروغ میگوید نباید بوی تذکر دهد زیرا هر چه بیشتر دروغ بگوید وضع وی ضعیفتر میگردد.

هرگاه در جرمی چند نفر مظنون باشند در صورت امکان از همه آنها در زمانی مقارن و در یک محل ممکن فرداً فرد باید بازجوئی شود. پس از اعتراف مظنون دنباله تحقیقات را نبایستی رها کرد. مثلاً در سرقت روشی که متهم حرز را شکسته و وضعی که محل را ترک گفته است مشخص شود و معلوم گردد که چه ابزاری بکار برده از کدام اطاق اشیاء را سرقت کرده اموال مسروقه را چگونه حمل و در کجا پنهان نموده است. آیا شرکاء و معاونینی هم داشته است. در جنایات مهم و بالاخص در مواردیکه احتمال می رود جانی اتهام را در محکمه تکذیب کند باید مجرم را به صحنه جنایت برد و در محل نیز از وی تحقیق کرد. اقدامات مذکور ارزش و اعتبار اعتراف را محرز میسازد.

شاهد

طرز تحقیق از شهود تابع شخصیت شاهد و وضع روحی او است. اگر چه پاره‌ای افراد جز با خشونت و تندى اطلاعات خود را بروز نمیدهند. لکن علی‌الاصول با مهربانی و شکیبائی نتایج بهتری میتوان بدست آورد.

اشکال اساسی در استنطاق شاهد تشخیص دروغ و همچنین اطلاعاتی است که پنهان نموده است. شهود در غالب موارد بدون هیچگونه سوء نیتی دروغ میگویند. و در اینکار قصد گمراه کردن مأمور تحقیق را ندارند. کم هوشی و بیماری و نداشتن تحصیلات کافی و عوامل دیگر موجب میشوند که شاهد با همه علاقه‌ایکه ممکنست با اظهار حقیقت داشته باشد من غیر عمد دروغ بگوید. مثلاً مسموعات و یاشایعات را مشاهدات شخصی معرفی نماید.

پاره‌ای افراد از کشیده شدن به محاکمه خوششان نمی‌آید و از آن اجتناب میکنند عده‌ای بعلت اشکالات اقتصادی و منجمده از دست دادن حقوق ساعتیکه به کلانتری یا بازرسی یا محکمه احضار میشوند از ادای شهادت فراریند.

شاهد ممکن است دوست شخص مظنون باشد یا نسبت به وی احساس ترحم کند یا بالعکس از او بترسد و از عقوبت شهادت خود علیه مظنون بیم ناک باشد در موارد مذکور و همچنین سایر مواقعیکه شاهد سکوت اختیار کند. مأمور تحقیق با مسئولیت سنگینی مواجه میشود. وظیفه مأمور آنستکه نه تنها علل اجتناب شاهد را از ادای شهادت درک کند بلکه او را بنحوی علاقمند سازد که اطلاعات خود را ابراز نماید.

حضور ذهن و زیرکی و شکیبائی مسئول تحقیقات کمک بزرگی در پیشرفت کار خواهد داشت و بالعکس تهدید و ارعاب در بسیاری موارد موضوع را پیچیده تر میسازد در هر حال هرگاه مستنطق متوجه شود که شاهدی عالماً و عامداً از ادای گواهی استنکاف میورزد قرائن حاکی از اطلاع شاهد و همچنین علل استنکاف وی را در اوراق بازجویی مینویسد.

از اشخاص کم رو و عصبانی بزحمت میتوان کسب اطلاع کرد و با وجود این باظهارات آنان نمیتوان اطمینان داشت. در اینگونه موارد مأمور تحقیق باید با نرمی و خوشروئی رفتار نماید. و در صورت امکان بازجویی را از صورت رسمی سؤال و جواب خارج کند و مانند کسی اقدام نماید که بر حسب اتفاق بموضوع برخورد و علاقه مند شده است.

شهود و مطلعین پرحرف مشکلاتی در امر بازجویی ایجاد میکنند. دستور کلی اینست که به آنها اجازه داده شود آنچه میدانند آزادانه اظهار نمایند و چون از مختصات اشخاص پرحرف خارج شدن آنها از موضوع است میتوان با احتیاط پرسشهایی طرح و شاهد حراف را بموضوع بازگردانید. محدود نمودن اینگونه افراد در بیان اطلاعات خود غالباً منشاء سوء تفاهم میگردد و بعلاوه استعداد اغراق گوئی و دروغ پردازی در اشخاص پرحرف وجود دارد در اینصورت راهنماییها و اظهارات آنان باید ممیزی شود و حقایق از او هام تفکیک گردد.

تحقیقات جدید روانشناسی نشان میدهد که اطفال بینندگان دقیقی هستند پسران در سنین دو تا پانزده سالگی نسبت به عوارض و اوصاف طبیعت و دختران بین دوازده تا پانزده سال نسبت بروابط اشخاص که در محیط اطراف آنان رخ میدهد حساسیت خاصی دارند. یک آهنگ پدران یا دوستانه به کودکان شجاعت و اطمینان میدهد که اطلاعات خود را اظهار کنند. کودک را باید تشویق کرد که فقط مشهودات خود را بیان نماید نه آنچه که شنیده است زیرا اطفال بسرعت آنچه شنیده اند با مشاهدات خود مخلوط میکنند.

جوانان در حدود بیست سال و کمی بالا تر شهود خوبی نیستند زیرا چنان در خود مستغرقند که مجال و علاقه ای برایشان باقی نماند تا به آنچه مربوط به آنان نیست بپردازند اشخاص مسن بالاخص در مواردیکه موضوع با محیط فعالیت آنان مرتبط باشد حتی جزئیات را بخوبی ملاحظه میکنند.

اظهارات شهود را ولو اینکه شخصاً راستگو و جدی بنظر برسند بایستی تا حدی با سوء ظن تلقی کرد طرز بازجویی اینست که ابتدا شاهد کلیه اطلاعات خود را بدون اینکه مأمور تحقیق در آن مداخله نماید اظهار میدارد سپس مستنطق با هوشیاری تام جزئیات موضوع را از وی سؤال میکند از این مرحله بعد تحقیقات واقعی آغاز میگردد و تناقض گوییهای شاهد بوی تذکر داده میشود هرگاه شاهد زمان حادثه را نتوان بیاد بیاورد با تذکار وقایعی که مقارن با آن رخ داده است باید بحفاظت شاهد کمک کرد. مثلاً از وی سؤال شود در آن روز کجا رفته و چه کرده و با چه اشخاص ملاقات نموده است تا بتدریج بزمان حادثه نزدیک گردد و برای اینکه شاهد موضوع را بهتر بخاطر بیاورد میتوان وی را بصحنه جرم برده در آنجا از وی تحقیق نمود.

بند دوم - ارزش علمی شهادت

در صفحات قبل نکات مهم استنتاج از متهم ومظنون و شاکی مورد بحث قرار گرفت وتوضیح شد که چگونه مأمور تحقیق بارعایت اصولی میتواند از دریچه چشم کسانیکه با جرم سروکار داشته اند حادثه یا جرم را بنحویکه دیده شده است ملاحظه کند.

بهترین استنتاج آنست که بوسیله آن جرم و کیفیت ارتکاب آن بواضحترین وجهی مشخص ومعلوم شود اشکال اساسی اینست که بین شاهد آنچه واقع شده است همیشه شکافی وجود دارد که با همه کوششی که مأمور تحقیق بکار میبرد وقتی که در راه درک مقصود ومنظور شاهد صرف بنماید معذلتک چون راه شاهد در هدایت مأمور تحقیق صاف و هموار نمیباشد هر لحظه بیم ستوط هر دو بحفره هائی می رود که تخیلات بشری در فهم وهمچنین اظهار واقعیات بوجود میاورند.

روانشناسی علمی در باب شهادت وارزش آن حاکی است از اینکه راستگوترین وامین ترین شهود ممکن است در کمال حسن نیت مرتکب خبط واشتباه شود در این مبحث پاره ای از نقاط ضعف وهمچنین مواردیکه در ضمن استنتاج ممکن است موجب گمراهی مأمور وشاهد گردد بررسی مینمائیم تحقیقات علمی در باب شهادت با اینکه ارزش بسیار دارد لکن از لحاظ عملی وبالاخص کشف علمی جرائم ثمرات قابل ملاحظه ای بر آنها مترتب میباشد لذا در این اوراق بیشتر بذكر جنبه های عملی شهادت وتوضیح مشکلات آن اکتفاء میگردد. به عقیده «امند لوکارد» (۱) فرانسوی شهادت مستلزم تحقق چهار مرحله است.

الف - احساس

ب - انفعال

ج - استقرار محسوسات در ذهن

د - ادای شهادت

الف - احساس (۲)

بدن انسان در معرض تحریک وتنبیه عوامل خارجی مانند ارتعاشات هوا وامواج اثر وبرخورد فشار دیگر چیزها قرار داشته همواره از آنها بیش وکم متأثر است این تأثیر بدنی در روان انعکاس پیدا میکند که احساس تام دارد مثلا ارتعاشات هوا بگوش رسیده متأثرش میکنند ودر نتیجه احساس صوت حاصل میشود یا ذراتی بسیار ریزه بینی برخورد کرده احساس بو دست میدهد.

بنابراین هر احساسی دارای دو مقدمه است یکی تحریک خارجی ودیگر تأثر عضوی چنانکه در مورد صوت ارتعاشهای هوا تحریک خارجی وجنبشی که گوش را دست داده است تأثیر عضوی است ودر مورد بوذرات بسیار ریز تحریک خارجی است وتغییری که در بینی

۱ - Emond Locard.

۲ - Observation.

روی داده تأثیر عضوی. پس از حصول این دو مقدمه در مغز انعکاسی (که چگونگی‌اش نامعلوم است) پیدا میشود که آنرا حساس گویند (۱).

تشخیص اینکه اظهارات شاهد مبتنی بر احساس است یا زانیده خیالبافی یا رؤیا و توهم در غالب موارد باسانی میسر است مثلاً شاهدهی اظهار میدارد که در آسیابی در ساعت معینی حادثه‌ای رخ داد.

سؤال: از کجا میدانید حادثه در همان ساعت روی داده است.

جواب: زنگ ساعت شهرداری در همان لحظه که حادثه اتفاق افتاد بصدادرآمد و وقت را اعلام کرد و معاینه صحنه جرم نشان میدهد که سرو صدای آسیاب به حدیست که از درون آن محال است حتی با داشتن گوشهای تیز و حساس صدای زنگ ساعت شهرداری شنیده شود و بعد با کمی تحقیق معلوم میشود هنگامیکه آسیاب را ترک میکرده و یا در راه صدای زنگ را شنیده نه هنگامیکه خود در آسیاب بوده است.

«کاسانی» (۲) فرانسوی مشهور و متخصص طب قانونی‌موردی از همین قبیل ذکر میکند که طی آن مردی متهم به چندین فقره هتک ناموس شده بود. طیب مذکور با توجه به محلی که شاهد ادعا میکرد از آنجا متهم را دیده است ثابت کرد که در چنین فاصله‌ای شخص حتی قادر نیست شیئی را ببیند تا چه رسد باینکه آنرا بشناسد.

مثال فوق نشان میدهد که برای احراز صحت و واقعیت شهادت‌شاهد بایستی عیناً در همان وضع و شرایطی قرار گیرد که مدعی است موضوع را احساس کرده تا به کمک آن بتوان اوهم را از احساس جدا نمود.

ب - انفعال (۳)

دنبال هر احساس یا ادراکی ما را حالتی دست میدهد که غیر از آن احساس یا ادراک است. مثلاً گلی را میبینیم یعنی از آن صورتی در ذهن ما پیدا میشود (احساس) و فوراً از این منظره خاطر ما منبسط میگردد. همچنین آوازی خوشن می‌شنویم (احساس) و روانمان رنجه میشود و بر همین قیاس است برای سایر تصویرهاییکه حواس مختلف منشاء آنها هستند که هر کدام حالتی از خوشی یا رنج بدنبال دارند. این حالت را در مقابل احساس انفعال مینامیم.

همچنانکه سایه پیرو جسم است انفعال هم احساس را دنبال میکند و بستگی این دو حالت و سرعت توالی آنها به اندازه‌ایست که غالباً توجهی بدوگانگی آنها نیست و در اصطلاح هردو کیفیت را بیشتر بیک لفظ خوانده احساس و احساسات میگویند.

ولی با اندک دقت اختلاف آنها روشن میشود. احساس تصویری است از یک چیز

۱ - مبانی فلسفه تألیف دکتر علی‌اکبر سیاسی استاد دانشگاه تهران (از انتشارات دانشگاه تهران) سال ۱۳۳۶ صفحه ۲۶.

۲ - Lacassagne.

۳ - Perception.

خارجی بعبارت دیگر در خارج از ذهن مقدمه دارد و همه مردم در برابر آن مقدمه خارجی آن تصویر را تقریباً یکسان حاصل میکنند. اما حالتی که دنبال این تصویر عارض شخص میشود اختصاصی و شخصی است و از هر فردی دیگر ممکنست دگرگونه باشد. چنانکه گلی معین را همه مردم تقریباً بیک شکل و بیک رنگ و بیک وضع میبینند (احساس) وای آنکه ذوق دارد از این منظره بوجد میآید دیگری که بی ذوق است بی اعتنا میماند و دیگری که ذهنش را خاطره های غم انگیز فرا گرفته است ملول میگردد. بعلاوه شاید منظره همین گل شخص واحد را هم گاهی معظوظ سازد. وزمانی ناخوش و ملول بدارد. از اینرو معلوم میشود که چگونگی تصویر اشیاء خارجی در ذهن بستگی دارد بان اشیاء در صورتیکه چگونگی انتقال پیوندش با خود ذهن بوده و تغییر پذیر است. (۱)

با توضیح احساس و انتقال اثرات آنها را در کشف جرم ذیلا بررسی میکنیم.

احساسات لمسی (حس بساوانی) (۲) احساسات لمسی در تحقیق و کشف جرم واجد اعتبار چندانی نیستند زیرا ذاتاً فریب آمیز و مبهم و گمراه کننده میباشند احساس لمسی در غالب اشخاص نمو قابل ملاحظه ای نمیکند ولذا بوسیله بینائی تکمیل و کنترل میگردد با این ترتیب شاهدهای که ادعا میکنند در تاریکی چیزی را فقط با لمس دست تشخیص داده است اظهاراتش شدیداً محل تردید و تأمل خواهد بود لکن هر گاه شاهد کور باشد نظر باینکه قوه لامسه در کوران بر اثر کثرت تمرین و آزمایش رشد بسیار میکنند به شهادتشان که ناشی از لمس اشیاء باشد میتوان اعتماد نمود.

احساسات ذوقی (حس چشائی) (۳)

احساسات شمی (حس بویائی) (۴)

به احساسات فوق نیز نمیتوان اطمینان داشت چه نه تنها تشخیص بوها و مزه های مختلف از یکدیگر کار مشکلی است بلکه الفاظ معلوم و معین برای اظهار و توضیح آنها نیز در اغلب موارد وجود ندارد حس چشائی یک احساس شخصی و فردی است و بقول لوکار د بوی بوقلمون نیمه گندیده ممکن است کسی را ب فکر لاشه و نعش بیندازد یا غذای مطبوع و پخته آبی را بیاد او بیاورد.

گاهی دیده میشود که شخص بوئی را احساس میکند بدون اینکه واقعاً چنان بوئی را استشمام کرده باشد هانزاشنیکرت (۵) رئیس اداره تشخیص هویت شهر بانی برلین و اسناد جرم شناسی دانشگاه برلین از جرمی حکایت میکنند که سال ۱۹۰۵ در برلین روی

۱ - کتاب مبانی فلسفه دکتر سیاسی صفحات ۹۰ و ۹۱

The sense of touch. - ۲

The sense of taste. - ۳

Olfactory experiences. - ۴

Hans Schneickert. - ۵

داد و طی آن دختری نه ساله مقتول و اعضاء بدنش قطعه قطعه گردید. یک روز اطفالیکه در ساحل رودخانه بازی میکردند سر و دستهای کودک را یافتند و روز بعد پاها و بدنه وی کشف شد پس از آنکه خبر پیدا شدن سر و دستهای طفل شایع گردید چند نفر بادهاره پلیس مراجعه و اظهار داشتند که در همان روز بوی گوشت سوخته در اطراف صحنه جنایت و بالاخص خانه ایکه کودک در آنجا سکونت داشته است احساس نموده‌اند و از آنجا این توهم بر آنها دست داده بود که قاتل کودک را پس از کشتن سوزانیده و قسمتهای مفقود شده اسکلت وی یکسره خاکستر شده است. تصور مذکور محتملاً ناشی از این بود که قریب یکسال پیش حادثه‌ای نظیر جنایت مورد بحث روی داده بود و جنایتکاران جسد را سوزانیده بودند. واقعه دیگری راهری سادرمن (۱) رئیس مؤسسه ملی پلیس فنی سوئد چنین نقل میکند. دوشیزه‌ای در شمال سوئد دستگیر و متهم شد باینکه نوزاد خود را بقتل رسانیده است. اساس اتهام اعلام جرم بعضی از همسایگان بود که در یکروز بوی زننده سوختن نعشی را از اطاق دوشیزه مزبور احساس کرده بودند. همسایگان متهم را قبل از روز حادثه آبتن دیده بودند لکن بعد از آن آثار حمل زائل شده بود. تجزیه و تحلیل محتویات بخاری خانه بعلت پاک بودن آن در روز تحقیق میسر نبود و بررسیهای پزشکی صراحتاً تأیید کرد که متهم هرگز آبتن نبوده است. دوشیزه مذکور در بازجویی چنان بونی را غیر واقع و شایعه رابی اساس اعلام کرد. پرونده بعلت فقد دلیل بسته و متهم فوراً آزاد گردید.

احساسات سمعی (حس شنوائی) (۲)

ارزش و اعتبار حس شنوائی را بین احساسات لمسی و ذوقی و شمی از یکطرف و بینائی از طرف دیگر دانسته‌اند. خطای سامعه در امور پلیسی و کشف جرم در بعضی موارد مشکلات بفرنجی بوجود میآورد. چنانکه صدای انسان با برخورد اشیاء بیکدیگر مشبه میشود یا آنکه صدای بلند را در نزدیکی خود و بالعکس آهنگ ضعیف را از دور فرض و تصور میکنند. تشخیص مسافتی که صدا از آنجا شنیده شده هنگامی دشوارتر است که شخص نتواند ماهیت صدا را دریابد و بداند که صدا از چیست و همچنین جهت صدا را شاهد ندرته میتواند معین کند. صدائی که شخص میشنود فی الفور بانواع مختلف اصوائی که در گذشته شنیده شده است مقایسه میکند و میکوشد که آنرا با نمونه‌های ذهنی خود تطبیق نماید. لوکارد حادثه‌ای را مثال میزند که طی آن شخص صدائی شنیده و آنرا با پارس سگ یا «قرقر» فورباغحه یا صدای حرکت چرخ کاری اشتباه کرده است.

در بازجویی از شاهد ابتدا باید سؤال کرد آیا صدای اشخاص موضوع شهادت را میتواند تشخیص دهد. بجه زبانی سخن میگفته‌اند موضوع سخن چه بوده است فریادهائی که شنیده آیا میتواند عیناً و با دقت تکرار کند. تشخیص صدای اشخاص در صورتیکه گواه

۱ - Harry Soderman.

۲ - Aural Experiences.

آنها را نشناسد کار دشوار است. بلندی و پستی صدا، ضعف و شدت آن و همچنین آهنگ (تن) (۱) صدا عواملی هستند که شاهد را در شناسائی مظنون دچار تردید میکند. شاهد لازم نیست زبانی را که متهمین با آن سخن میگفته‌اند بخوبی بداند. زیرا عاده دانستن پاره‌ای مختصات زبان برای تشخیص آن کافیتست معذکک برای حصول اطمینان باید در حضور شاهد بهمان زبانی سخن گفت و وی را آزمایش کرد.

و اما بازجویی از گواه در نقل مسموعات خود یکی از خطرناکترین مراحل بازپرسی است انسان معمولاً بهمه الفاظی که جمله یا عبارت از آنها ساخته شده است گوش نمیدهد بلکه بلااراده آنها را بهمان صورت ناقص و مبهم در قالبهای منظمی که از گذشته در ذهن خود ساخته و پرداخته است میریزد و با این ترتیب فواصل الفاظی که شنیده نشده است با استفاده از قوه خیال پر میشوند و عبارت جدیدی تنظیم و عرضه میگردد ولی شاهدیکه مذاکرات دیگران را نقل میکند آنچه گفته شده است نمیگوید بلکه محصول تخیلات خود را که متضمن فقط قسمتی از حقیقت میباشد اظهار میدارد و هرگاه از ابتدای کار سخنی را نفهمیده و یا ناقص فهمیده باشد گواهی وی را که اساسش ساخته‌های خود او است یکسره بدون ارزش و بلافائده خواهد بود

احساسات بصری (حس بینائی) (۲)

نظریه‌ایکه فوقاً مذکور افتاد و به تئوری ملاحظات منقطع (۳) مشهور است در دیدن است در دیدن اشیاء نیز صدق میکند نگاهمی بوضع کلی هر شیئی موجب تجزیه و تحلیل و درک همه اجزاء آن از قبیل شکل ظاهر و رنگ آن نمیگردد بلکه فقط مختصات معدودی از شیئی ملاحظه و بقیه با آنچه شخص از سابق در ذهن خود دارد ساخته و تکمیل میگردد مثلاً بینی غیر عادی کسی را ملاحظه میکند و بعداً با اطمینان خاطر اجزائی را که بخوبی ندیده از خود میسازد با همه این احوال و با وجود احتمال اشتباه گواهی بر مشهود بعنوان دقیق ترین و صحیح ترین اظهارات تلقی شده است.

رنگ‌هاییکه اشخاص دیده‌اند بندرت صحیحاً بخاطرشان می‌آید. در حادثه‌ای که شخصی مورد حمله قرار گرفته بود و مجرم یک لحظه در نور مهتاب دیده شده بود لباس او را نیم تنه و کلاه سیاه افکار داشتند بعدها ثابت شد که وی شلوار گشاد بپا و کلاه سفید بر سر داشته است.

آزمایشهای بسیاری برای تعیین اعتبار گواهی نسبت برنگها بعمل آمده که صرفاً جنبه علمی داشته است و ارتباط آنها با واقعیت جزئی میباشد معذکک نتایج جالبی بدست آمده است.

۱ - Tone.

۲ - Visual Observations.

۳ - Fragmentary Observations.

درس سال ۱۹۱۳ دو بر (۱) روان شناس معروف عکس کودکی را که موهای قهوه‌ای و شلووار آبی و کت و کفش قهوه‌ای داشت به ۳۶۹ تن اطفال مدرسه نشان داد و چند لحظه بعد از آنها خواست که رنگ قسمت‌های مختلف عکس را بگویند نتیجه چنین بود.

شلوار آبی بر رنگ‌های زیر توصیف شد.

پسران	دختران
آبی - ۱۵ نفر	سبز ۸ نفر
قهوه‌ای. ۲ نفر	قهوه‌ای ۱۹ نفر
زرد ۵ نفر	زرد ۳ نفر
خاکستری ۴ نفر	خاکستری ۷ نفر
	سرخ ۳ نفر
	سیاه ۳ نفر

کت قهوه‌ای را چنین گفتند.

پسران	دختران
آبی ۲۸ نفر	آبی - ۲۱ نفر
سبز ۱۸ نفر	سبز ۱۲ نفر
خاکستری ۱۳ نفر	خاکستری ۱۹ نفر
سرخ - ۲۰ نفر	سرخ ۹ نفر
زرد ۲ نفر	

موی قهوه‌ای را چنین شرح دادند.

سیاه ۳۵ نفر	سیاه ۱۲ نفر
رنگ روشن ۲ نفر	رنگ روشن ۲۰ نفر

هیچ‌کس تن کفش قهوه‌ای کودک را سیاه تصور کرده بودند و بسیاری وی را با پای برهنه معرفی نمودند.

آزمایش فوق گوشه‌ای از مشکلات پیشنهادی که مأمور تحقیق برای تعیین هویت مجرم بوسیله شهود با آنها روبرو است مجسم می‌سازد ممکنست گفته شود که آزمایش مزبور نسبت بکودکان بعمل آمده ولذا نمیتوان آنرا ملاک تشخیص در اشخاص بالغ دانست. ایراد مذکور وارد نیست زیرا اشخاص آموزش دیده و کاردان نیز در گواهی راجع به آنچه دیده‌اند دچار اشتباه و فراموشی میشوند. آزمایشی توسط «سادرمن» و «کانل» نویسنده‌گان کتاب تحقیقات جنایی جدید (۲) بعمل آمده است که مؤید نظریه اخیر میباشد در کلاسی که برای آموزش علوم پلیسی به ۷۰ تن دادیار در وزارت داخله سوئد تشکیل

۱ - Dauber.

۲ - به کتاب زیر مراجعه شود:

2. Soderman, Harry and O'Connell, Modern Criminal Investigation, (New Cork: Funk Wagnalls Company, Fourth Edition), 1951.

شده بود آزمایش زیر انجام گردید: خانم جوانی وارد کلاس شد و مدت پنج دقیقه در آنجا نشست و سپس برخاست و اظهار داشت که اشتباهاً به این کلاس آمده است. این را گفت و از در خارج شد. همه چشمها بخودی خود بمدت پنج دقیقه بسوی خانم زیبا و جوان خیره شده بود و روز بعد که از دانشجویان سؤال شد شرحی درباره بانوی مذکور بنویسند گزارش فقط یکی از آن هفتاد نفر از لحاظ پلیسی واجد اهمیت و ارزش بود. در این زمینه آزمایشهای بسیاری در کشورهای مختلف جهان بعمل آمده است که محض احتراز از تطویل کلام از ذکر آنها خودداری میشود.

اشتباه در جهت یا وضع شخصی که یا شیئی که موضوع شهادت است نیز فراوان اتفاق میافتد وقتی از شاکی سؤال میشود شخصی را که دیده است در این گوشه بود یا آن گوشه یا اتومبیل در سمت راست بود یا سمت چپ در اظهار وضع صحیح شخص یا اتومبیل به آسانی ممکن است اشتباه کند اشتباه از نوع مذکور وقتی بعد اعلی میرسد که شاهد نقطه ثابت و معینی که بر اساس آن جهت را تمیز دهد وجود نداشته باشد.

«لوکار» میگوید دختری مشغول تماشای جماعتی بود که بقتل رسید. قاتل فوراً دستگیر و به جرم خود اعتراف کرد شش نفر از شهود حادثه گواهی دادند که مقتول با مادرش در ردیف چهارم نشسته بودند در حالیکه خون در ردیف پنجم ریخته بود. دو نفر شهادت دادند که قاتل اسلحه خود را از جیب بغلی دست چپ خود خارج ساخت لکن قاتل اظهار داشت که آنرا از جیب بیرونی سمت راست کت خود در آورده است و طبیعی است خود وی محل سلاح خود را بهتر از دیگران میدانست.

اشیاء یا اشخاصی که در حرکتند چون در لحظه وضع آنها تغییر میکنند و بیننده فقط بعضی از لحظات حرکت شیئی را می بیند باقی را بکمک تصورات یا استنتاج خود تکمیل مینماید.

هنزگراس (۱) نویسنده کتاب تحقیقات جنائی (۲) از محاکمه ای یاد میکند که در آن مردی متهم شده بود با شیشه بر فرق مجنی علیه زده است. شهود حادثه اختلاف داشتند به اینکه متهم شیشه را بطرف مضروب پرت کرده است یا آنکه در آخرین لحظه آنرا در دست داشته است و عبارت دیگر شیشه را به سروی کوبیده است. هر یک از شهود فقط قسمتی از حادثه ای را دیده و بیننده را تحت تأثیر گفته های دیگران و عقاید و تصورات خود ساخته بودند. بنابراین هر گاه حادثه فرود آمدن شیشه را به سر مضروب به اجزائی منظم و پشت سر هم تقسیم کنیم و هر جزء را با یکی از حروف ابجد به ترتیب نامگذاری نمائیم. الف - ب - ج - د الی آخر شاهد بعضی اجزاء نامرتب حادثه را مثلاً الف - ح - و ح و دیگری ب - ط - ک را دیده حفره های خامی را از ذهن خود پر کرده اند.

Hans Gross. - ۱

Criminal investigation - ۲

ج - استقرار محسوسات در ذهن (۱)

هرگاه محسوسات در گوشه‌ای از ذهن مستقر شوند کمتر تغییر میکنند و بالعکس بهمان نسبت که شخصی به آنها بیند بشد و بخصوص در مواردیکه ایشان آنچه دیده یا شنیده است بیان میکنند یا مینویسند در هر مرتبه آنها تغییر میدهند تا بعدی که جز شباهتی بسیار جزئی با نقش اصلی نخواهد داشت. خاطراتیکه از آنها یاد نشود بمرور زمان رنگ خود را از دست میدهند و فراموش میشوند.

د ادای شهادت «۲»

مهمترین جزء شهادت از لحاظ مأمور تحقیق ادای شهادت است اشتباهاتی که در مرحله رخ میدهد عبارتست. بی‌دقتی و اغراق گوئی و بکار بردن الفاظ نادرست و بی‌مورد. علاقه شاهد به اینکه تنها امور و موضوعاتی را شرح دهد که از لحاظ خود او حائز اهمیت است اساس بی‌دقتی‌های بسیاری میباشد. هرگاه شاهد تنها جزئیات غیر مهم از قلم میانداخت تا این درجه مضربه تحقیق نبود لکن غالباً مسائل پرارزش و حائز اهمیت را با کمال حسن نیت بلافاصله تصور میکنند و از ذکر آنها خودداری مینمایند. اعداد را چند برابر میکنند و ارزش حقایق را بیش از آنچه که هستند بزرگ میگردانند هرگاه شورش را دیده باشد اشخاصی را که در آن مشارکت داشته‌اند چندین برابر میگوید. اگر بوسیله یک یا دو نفر مورد حمله قرار گرفته آنها را دسته دزدان مینامد. هرگاه متهم را در حال نوشیدن شراب ملاحظه کرده است جام وی را شیشه‌های متعدد معرفی مینماید. و اگر بداند که متهم با یک زن رابطه نامشروع داشته است وی را بچندین زن تعبیر میکند با اغراق گوئی شاهد نه تنها ارزش مشهودات خود را بالا میبرد بلکه اهمیت خود را نیز گوشزد میکند. مختصات نژادی و خصوصیات فردی شاهد در اینجا نقش عمده‌ای را انجام میدهد.

اتفاق شهود بر موضوع شهادت.

نباید تصور شود که ارزش گواهی خواهان با تعداد آنها و درجه اتفاقشان بر موضوع شهادت رابطه مستقیم دارد بشرحیکه ذیلاً توضیح داده خواهد شد ممکنست اظهارات عده‌ای گواه شبیه یکدیگر بوده معذالک جنبه‌های واقعی حادثه در بیاناتشان منعکس نشده باشد. شاهد از لحظه‌ایکه چیزی ملاحظه میکند تا زمانیکه مورد بازجویی قرار میگیرد معمولاً تنها نمی‌ماند. مدت مذکور هر چه طولانی تر باشد احتمال اینکه تحت تأثیر دیگران واقع شود بیشتر است. شاهد بایمان موضوع برای دیگران و مباحثه راجع به آنچه دیده است بتدریج شاخه‌ها و برگهائی بر آن میافزاید و افسانه‌ای از آن میسازد در آن هنگام

۱ - Mind fixation of Observed occurrences.

۲ - Expression.

اگر شهود حادثه بر حسب تصادف بیکدیگر برسند و آنچه را که دیده و از خود بر آن افزوده‌اند با یکدیگر در میان بگذارند قصه‌ای مخلوط از حقایق و اوضاع بوجود می‌آید که در عین حالیکه کم و بیش همگی بر آن متفقند ممکنست با حقیقت و واقع فرق اساسی داشته باشد. هرگاه شاهد عضو جمعیتی باشد که همگی حادثه را ملاحظه نموده‌اند مشهودات وی بلااراده در اظهارات و نظریات جماعت محو و مستحیل میشود. در اینصورت گواهی وی با احتمال قوی با آنچه افراد گروه اظهار میدارند منطبق خواهد بود.

«دوپر» (۱) نویسنده کتاب « روان شناسی علمی در طب قانونی » معتقد است که جمعیت حوادث را نوعی ملاحظه و تفسیر و در برابر آن واکنش میکند که با آنچه فرد درک و احساس میکند متفاوت است.

توضیحات شاهد

یکی از مشکلاتی که شاهد با آن روبرو میباشد توضیح قد و اندازه هیکل و سایر مشخصات مجرمی است که فرار کرده است مثلاً هرگاه شاهد کسی را که دارای قد متوسطی بوده در معیت دو یا سه نفر کوتاه قد دیده باشد او را بلند قد معرفی میکند بهمین ترتیب رنگ چهره - رنگ مو - ترکیب صورت فربهی و لاغری اشخاص با توضیحات شاهد ممکنست منشاء سوء تفاهم واقع گردد.

شناسائی افراد بوسیله شهود

اشتباهاتی که بر اثر مواجهه شهود و متهم اتفاق می‌افتد غالباً فراوان است عوامل زیر در تشدید اشتباه مؤثرند شباهت شخص دستگیر شده با مجرم اصلی.

تغییر درجه نور از محلیکه مجرم دیده تا محل مواجهه

وضع روحی شاهد و اثرات عاطفه‌ای وی

تلقینات دیگران

فراموشی شاهد بر اثر مرور زمان

معمول اینستکه مظنون را با چند نفر دیگر در یکجا با شاهد مواجه میدهند تا وی مجرم را معرفی کند بدیهی است پیش از مواجهه نباید عکس مظنون به شاهد ارائه شود یا مشخصات وی توضیح گردد. پاره‌ای روانشناسان معتقدند که از مواجهه عادتاً جز نتیجه نادرست انتظاری نباید داشت. نظریه مذکور اگر چه اغراق آمیز بنظر میرسد با قراردادن مظنون در اوضاع و احوالیکه شاهد او را دیده است از اشتباه شاید تا حد قابل ملاحظه‌ای میتوان کاست بهترین روش آنستکه مواجهه در صحنه جنایت در همان ساعتیکه جرم واقع شده است صورت گیرد.

شناسائی جسد

مأمور تحقیق ممکنست باظهارات خلاف واقع شهود در شناسائی اجساد مواجه

شود تشخیص صحیح جسد همیشه کار آسانی نیست بالاخص اگر جسد متعفن گردیده باشد یا قطعه قطعه شده باشد طی فصول آینده در این خصوص به بحث مفصلی خواهیم داشت.

شناسائی بوسیله عکس

هرگز نباید یک عکس را در اختیار شاهد گذاشته از وی سؤال نمود کسی را که دیده همانست بلکه عکس شخص مظنون را همراه با عکسهای متعددی باید به شاهد نشان داد و از او خواست که مجرم را معین کند اشتباهیکه غالباً «از مشاهده عکس دست میدهد اینستکه گاهی شاهد تصویر مبهم و مجملی از مجرم در ذهن خود دارد و با دیدن عکس با شباهت جزئی بمجرم تصویر ذهنی خود را تکمیل و صورت ثابتی نزد خود بوجود میآورد که هنگام مواجهه از تشخیص مجرم عاجز میماند یا دیگری را بجای متهم اصلی معرفی میکند.

بقیه دارد

